

17 مارچ 2019

داکتر سید عبدالله کاظم

شاه امان الله غازی - بانی تحول در زندگی زن افغان

(به مناسبت روز جهانی زن)

(قسمت پنجم)

تأثیر افکار محمود طرزی در راه بیداری زنان افغان:



محمود طرزی در سال 1866، حینیکه مادرش از کابل جانب قندهار در سفر بود، در وسط راه در حواشی غزنی چشم به جهان گشود. هنوز هژده ساله نشده بود که پدرش غلام محمد خان طرزی شاعر و شخصیت سرشناس (با اهل و عیال) به حکم امیر عبدالرحمن خان به هند برتانوی تبعید گردید. پس از اقامت دوساله در هند آنها عزم سفر به ترکیه عثمانی کردند و در ولایت سوریه در شهر امروزی "شام یعنی دمشق" اقامت گزیدند. محمود طرزی در آنجا با بزرگان و دانشمندان نخست در حلقه دستان پدر و بعد در حلقه دستان جوان خود آشنا شد و به فعالیت های تحقیقاتی و شناخت پدیده های عصری پرداخت. او با استعداد سرشاری که در کسب علم و دانش داشت، به زودی بیک چهره سرشناس تبدیل گردید. در سال 1891 با دختر جوان بنام "اسمائی

رسمیه" دختر خطیب مسجد "اموی" ازدواج کرد که ثمره آن جمعا سه دختر و چهار پسر بود. طرزی در سال 1896 از دمشق به استانبول آمد و بنابر توصیه پدر با علامه بزرگوار سیدجمال الدین افغان معرفت پیدا کرد و مدت هفت ماه را در پای صحبت با سید گذشتاند.

طرزی پس از وفات پدر و همچنان وفات امیر عبدالرحمن خان هوای دیدار وطن بر سرش زد و در آغاز سلطنت امیر حبیب الله خان در سال 1902 به افغانستان آمد و ضمن باریابی به حضور امیر از هدف سفرش مبنی بر تشنید مناسبات افغانستان و ترکیه یاد کرد، ولی امیر از او خواست تا به وطن برگردد. در سال 1905 محمود طرزی پس از 12 سال مهاجرت و اندوخته بسیار پربها از دانش و افکار جدید با خانواده و فرزندان خود به کشور برگشت. او به سرعت در بین جوانان و اهل دربار کسب رسوخ و شهرت کرد و با اندیشه ملی گرایان افغان که از سیاست استعماری انگلیس در کشور و منطقه رنج می بردند، همگام و همنوا گردید. طرزی در سال 1912 به حیث محرر جریده "سراج الاخبار" شروع به کار کرد و دیری نگذشت که محتوای پرفیض نوشته های او، مورد استفاده اهل دانش جدید در داخل و خارج کشور قرار گرفت.

طرزی در دوره امانی دوبار به حیث وزیر خارجه و دوبار ریاست هیئت مذاکرات با جانب انگلیسی (معاهده مسیوری 20 اپریل 1920 و معاهده کابل فبروری 1921) را به عهده داشت و مدتی نیز به حیث وزیر مختار در فرانسه مقرر شد و پس از سقوط رژیم امانی از راه هرات به ایران و از آنجا به استانبول مقیم گردید و در سال 1933 در آنجا وفات کرد.

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

محمود طرزی با ورود خود به افغانستان افکار جدید را باخود آورد که بیشتر در سراج الاخبار منعکس گردید. او نه تنها خسر (پدرزن) امان الله خان و برادرش عنایت الله خان بود، بلکه استاد و رهبر فکری هر دو و یک عده جوانان دیگر "مشروطه خواه" نیز محسوب میشد. طرزی در برابر نفوذ قدرتهای استعماری در کشورهای اسلامی جداً از وحدت مسلمانها (پان اسلامیزم) دفاع میکرد و معتقد بود که: مسلمانها متعلق به یک امت هستند و امت تمام واحد های سیاسی را در "وطن" که مردم آن ملت را تشکیل میدهد، دربر میگیرد. او مثل سیدجمال الدین افغان عقیده داشت که: بقای اسلام و ملل مسلمان مربوط به درک روحیه واقعی اسلام است که عاری از نفوذ حکمرانهای مستبد و علمای جاهل میباشد، زیرا همین ها اند که به هدف برآوردن منافع خود، اسلام را از واقعیت های آن دور و ملل اسلامی را ضعیف می سازند. به نظر او: کوتاهی علمای دینی در رهنمائی درست مؤمنین، نه تنها به بی خبری و نا آگاهی همه جانبه از دینا انجامید، بلکه به پذیرش افکار و اعمال غیر اسلامی نیز منجر شد که در اثر آن عقاید عامیانه و خرافات جاگزین دین عقلی گردید و مسلمانها تدریجاً اعتماد به نفس، اتحاد و نیرومندی را با قوه تحرک و بالاخره نقش رهبریت در علوم و فرهنگ را از دست دادند.

طرزی معتقد بود که عشق به وطن و تجددگرایی دو روی یک سکه اند. او وطن دوستی را وظیفه دینی هر مسلمان میدانست و می گفت: چون تجدد طلبی و ترقی با دفاع وطن انفکاک ناپذیر است، لذا آموزش و کسب علم وظیفه ایمانی هر وطن دوست محسوب میشود. او با پندار بسیاری از مؤسسات و علمای دینی که تجدد گرایی را بدعت تلقی میکردند، موافق نبود. همین طرز تفکر طرزی بود که حدفاصل را بین تجدد گراها و عنعنه گراهای افراطی که اغلب در لباس دین درآمده بودند، به وجود آورد و اصطکاک آن آتش اغتشاش را در افغانستان شعله ور ساخت. طرزی تلاش کرد به مردم واضح سازد که علوم جدیده مخالف اسلام نیست. او مثالهای زیاد ارائه کرد که چگونه معاصر از انکشاف علوم توسط مسلمانها در قرون وسطی بهره مند شده است و اکنون زمان آن رسیده که کشورهای اسلامی از علوم و اختراعات اروپائی استفاده نمایند. او می گفت: غفلت در اشاعه و تطبیق تعقل، زیان بزرگ به خود انسان، به جامعه و به اسلام دارد. به نظر او علت عقب ماندگی مسلمانان در نقص ذاتی اسلام نیست، بلکه سبب آن انحراف مسلمانان از ارشادات واقعی اسلام است. طرزی اسلام را برمبنای عقل استوار میدانست و به حدیث مبارکه استناد میکرد که: « دین مسلمان عقل اوست، آنرا که عقل نیست دین هم نیست، زیرا عقل است که مستوجب تکلیف احکام دینی میشود.»

به نظر او: برتری اروپائی ها در عصر حاضر ناشی از پیشرفت آنها در زمینه های اقتصادی، علمی، تکنالوژیکی و فرهنگی است. افغانستان و سائر کشورهای اسلامی وقتی با آنها برابری میتوانند که جامعه را بشناسند، ساینس و تکنالوجی جدید را در آن بکار بگمارند و به انکشاف صنایع بپردازند. طرزی تقلید کورکورانه اروپائی را نمی خواست و مثال جاپان را میداد که چگونه با حفظ ارزشهای ملی خود توانست از مزایای تکنالوژی اروپائی بهره مند شود.

طرزی با تأکید بر نقش برجسته زنان در دوران خلافت عباسی می گفت: زمانیکه تمام زنان و مردان اروپا بیسواد بودند، زنان مسلمان به حیث شاعر و هنرمند و حتی در مقامهای اداری کار میکردند. او در مورد اهمیت تعلیم و تحصیل زنان استدلال میکرد که: فقط زنان تعلیم یافته و منور میتوانند همسران و مادران خوب باشند و همین زنان استند که اطفال را که آینده متعلق به آنها است، بار می آورند و به استناد حدیث مبارک که «زنان نیمی از پیکره مردان اند» استدلال میکرد که بدون پیشرفت این نیمه اجتماع نمیتوان نیمه دیگر آنرا بطور کامل و سالم انکشاف داد. او می گفت که اسلام

د پانو شمیره: له 2 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

برمیانی مساوات بین همه اعم از زن و مرد استوار است و میخواست بدینوسیله احساس خودآگاهی و اعتماد به نفس را به منظور تقویۀ تفکر معقول و "دفاع از خود" بین زنان کشور ایجاد نماید و می گفت که: این هدف وقتی برآورده می شود که زنان تعلیم یافته و آگاه شوند تا بتوانند برای فامیل، فرزندان و درنهایت برای جامعه عناصر مفید و فعال بار آیند. اوحتی اصرار میکرد که نقش تعلیم و تربیۀ زنان اگر بالاتر از مردان نیست، به هیچ وجه کمتر از آنان نمی باشد. اینجاست که طرزی اولین مرد متفکر درنهایت زنان کشور بود و نظریات او سرلوحۀ اساسی اقدامات رژیم امانی در مورد زنان محسوب میشود. (کاظم، داکتر سیدعبدالله: "علامه محمود طرزی و افکار او"، افغان جرمن آنالین، 28 جولای 2018)

پایان اغتشاش و برگشت بسوی اصلاحات:

لویه جرگه پس از جرو بحث های زیاد بتاريخ 9 اسد 1303 در پغمان پایان یافت و شاه امان الله زیر فشار علمای دینی و شدت بیشتر اغتشاش "ملای لنگ" در سمت جنوبی ناگزیر به قبول نظریات علمای محافظه کار دینی در لویه جرگه شد و تعدیلات مطلوبه آنها را در نظامنامه های تذکره نفوس، مالیات و خدمت عسکری جبری، مسدود ساختن مکتب دخترانه، جواز نکاح چهار زن به شرط تأمین عدالت و جواز نکاح صغیره و دیگر موارد متنازع فیها پذیرفت. سپس علمای دینی با صدور فتوا مبنی براینکه نظامنامه ها همه بروفق احکام شرعی استوار اند، بر مشروعیت نظامنامه ها مهر تائید گذاشتند.

اگر چه صدور این فتوا نتوانست از شدت اغتشاش بکاهد، اما یک حربه مؤثر علیه ادعا های شورشیان بود که دولت را متهم به اجراء کفری میکردند. در این میان ظهور شخصی بنام عبدالکریم که خود را از احفاد امیرمحمد یعقوب خان معرفی میکرد و از هند به خوست آمده و در ردیف شورشیان قرار گرفته بود، مشکل دیگری را بار آورد. عبدالکریم با تشکیل یک شورای 40 نفری به شمول ملا عبدالله و ملاعبدالرشید سران شورشی خود را به حیث امیر افغانستان تراشیده و تعدادی را بدور خود جمع کرده و به قوت شورشیان افزوده بود.



خوانین شینوار در عصر امانی که طرف لشکر جهل ملای لنگ را گرفتند اما به زودی سرکوب شدند.

د پانو شمیره: له 3 تر 6

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

ظهور این شخص موجب شد تا آوازه های مینی بر دست داشتن انگلیس ها در این اغتشاش در بین مردم در همه جا پخش و انتشار یابد و احساسات ضد انگلیسی مردم را علیه شورشیان تحریک نماید، چنانچه تعداد زیاد مردم در قندهار، هرات و در صفحات شمال و همچنان اقوام مهمند، شینوار، خوگیانی، وزیر و هزاره به حمایت از دولت آمادگی خود را در سرنگونی شورشیان ابراز داشتند. دولت نیز با وجود تلاشهای زیاد و اعزام چندین هیئت متشکل از مامورین بلند رتبه، شخصیت های با نفوذ و تعدادی از علمای دینی بشمول حضرت نورالمشایخ جهت مصالحه و مفاهمه موفق نشد معضله را با مخالفان از در صلح و اشتی حل کند، لذا مجبور شد به اقدامات نظامی جدی به شمول استفاده از طیاره متوسل شود.

طغیان احساسات مردم که دست انگلیس را در اینکار شریک میدانستند و نیز فشار های نظامی موجب شد تا یک تعداد از قوای طرفدار شورشیان با گرفتن غنیمت و ولجه خود را از صحنه جنگ عقب بکشند و تدریجاً اینکار موجب ضعف روز افزون قوای شورشی گردید. فرار عبدالکریم به هندوستان بر تضعیف روحیه سران شورشی اثر گذاشت و ملاعبدالله بالاخره مجبور شد بتاريخ 10 دلو 1303 (30 جنوری 1925) از طریق مهمند به سرحد آزاد فرار کند، ولی در راه دستگیر شد و با تعدادی 53 نفر از مخالفان همه به کابل آورده شدند. آنها پس از محاکمه علنی به جرم اخلاف امنیت و همدستی با دشمنان خارجی به حکم محکمه خاص محکوم به اعدام شدند و بتاريخ 4 جوزای 1304 (25 می 1925) در حواشی تپه مرنجان - کابل حکم محکمه بر همه شان تطبیق گردید.



شاه امان الله غازی طی نطقی در مراسم «چانماری» این 53 تن، که در جریده «حقیقت» (6 جوزای 1304) منتشر شد، گفت: «حقیقتاً برای ملت و حکومت ما سزا دادن یک قوم که افرادش را به خون جگر پرورش داده بودیم و از آن ها چشم خدمت داشتیم بسیار جای افسوس است لیکن چه کنم یک دانه که به هیچ صورت علاج آن نشود و به صحت تمام بدن ضرر برساند چون در وجود پیدا شود انسان مجبور است که آن دانه را ببرد. گویا این خاینین یک دانه سرطان بودند که به وجود مملکت ما برآمدند حالا لازم است که آنرا قطع نمایم تا به وجود وطن دیگر ضرر نمانده مملکت به حیات دایمی خود پایدار بماند. ای کاش اینقدر تلفات را که اولادهای عسکری و دیگر اولادهای ملکی ام، و این فرزندان جاهل و نادانم درین مقابله علم و جهل دادند، بری بهبود مملکت و آبادی ملت می بود تا ما مسرور و خوشوقت بوده و بدبختان باینطور فلاکت و تباهی مبتلان میشدند.»

خبر مراسم اعدام ملای لنگ و 53 تن از شرکای جرمش در جریده «حقیقت» (6 جوزای 1304)

د پانوی شمیره: له 4 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

ادامه تلاشها برای تعلیم زنان:

با پایان یافتن اغتشاش دولت با آنکه در این جنگ متقبل خسارات جانی و مالی شدید در طول مدت تقریباً یک سال گردیده بود، دوباره توانست به حاکمیت خود بیفزاید و این بار شاه امان الله غازی کوشید با تأنی و آهستگی اصلاحات مورد نظر خود را دنبال کند، چنانچه در بین سالهای 1304 تا 1306 (1925 تا 1927) به فعالیتها در حواشی اصلاحات پرداخت و خواست با انکشاف معارف زمینه های فکری تحول را در بین مردم مساعد سازد. یکی از این اقدامات همانا سفر شاه به ولایات کشور بغرض تفتیش بود که با استفاده از این فرصت جهت تقویه همکاری بین دولت و مردم ضمن بررسی امور اداری به ایراد بیانیه ها برای مردم پرداخت و مردم را بیشتر به ارتباط اهمیت تعلیم و تربیه و همچنان توجه به حقوق زنان تشویق و رهنمائی کرد.

حبیب الله رفیع محقق افغان در مقدمه کتاب "حاکمیت قانون در افغانستان" می نویسد: «باوجودی که تمام قوانین و نظامنامه ها به ولایات گسیل میشد، شاه شخصاً برای نظارت از چگونگی تطبیق قانون پروگرام هایی را نیز رویدست گرفته بود که تحت نظر شخص شاه به ولایات و نایب الحکومگی ها هیئت های تفتیش میرفتند و کارهای مامورین و کارکنان دولت را در چوکات قوانین و نظامنامه ها تفتیش و کنترول میکردند و گزارش کارشان را به حضور شاه تقدیم می داشتند و شاه آنرا به دقت ملاحظه میکرد؛ گاه گاهی شاه شخصاً دفاتر را می دید و بعد از علم آوری کامل مجلس عام را دایر میکرد و در آن مامورین صادق را مکافات و مامورین متخلف و استفادہ جو را مجازات مینمود.» حبیب الله رفیع در ادامه می نویسد که: «اعلیحضرت امان الله خان به ولایات شمالی، مرکزی، شرقی و جنوب شرقی کشور شخصاً چنین سفرهایی را انجام داد که گزارشهای این سفرها در جراید و کتب آنوقت نشر شدند.» (رفیع حبیب الله: "حاکمیت قانون در افغانستان"، بقلم شاه امان الله غازی - گزارش مکمل سفر پنج روزه تفتیش امور در قندهار، پشاور، 1378، صفحه 10)

شاه غازی حین سفر تفتیش ولایت قندهار ضمن خطبه های نماز روی موضوعات بسیار مهم بیانیه های مفصل برای مردم قندهار ایراد کرد. در خطبه روز 14 عقرب 1304 خود که بیشتر به موضوع تعلیم و تربیه اختصاص داشت، بحضور جم غفیری از مردم شهر قندهار در زیارت خرقه مبارکه در مورد تعلیم زنان گفت: «گمان نکنید که طلب علم بالای مردان فرض است و بس! بلکه داشتن علم و کمال یک برابر بالای مرد و زن از طرف خداوند (ج) فرض است و بدین امر خداوندی تمام علماء و دانشمندان شما اطلاع دارند. پس متساویانه در تعلیم پسران و دختران خود بکوشید که در آخرت از تعلیم و تربیه اولاد نکور و اناث خویش مسئول خواهید بود و بدانید که احکام و اوامر دینی و مذهبی بالای زن و مرد یکسان فرض است. همچنانیکه مردان را لازم است که از احکام وضو و نماز و روزه و زکات و حج و دیگر ارکان دینی با خیر باشند، همچنان بر زنان واجب است. علاوه بر صورتیکه زنان عالمه و صاحب تربیه باشند، طبعاً اولاد آن مادران هم در آغوش او که مکتب نخستین اطفال گفته میشود و زیاده تر عمر گران مایه طفل به پیش مادر بصرف میرسد، صاحب دانش و تربیه می آید.» شاه در پایان خطابه مفصل خود دست دعا بلند کرد و چنین فرمود: «خدایا الفاظ عاجزانه ام را که برای ترقی و بیداری ملت خود میگویم، مؤثر گردان! خدایا به عامه ملت افغانستان توفیق را رفیق بگردان تا اولاد های خود را به آغوش شفقت من در مکاتب داخل کنند و از فیوضات تعلیم بهره ور شوند! خدایا ببرکت رسول مقبولت افغانستان را سبب نجات عالم اسلام گردان و برایش توفیق کرامت فرما تا آن چراغ اسلامی را که رهنمای جهان و جهانیان بود، از باد های مشعل کش فتنه و صرصر حوادث نگه کرده بتوانند! خدایا این دعای های ما را چون خالصانه

است و از دل پر درد ما با آه های سرد یکجا می برآید، قبول و بما توفیق خدمت اسلام را عطا فرما!
الهم ربنا آتنا فی الدنيا حسنة و فی الآخرة حسنة و قنا عذاب النار» (مأخذ بالا: "حاکمیت قانون..."، صفحه
189 - 190)

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ